

(فصل بیستم) اصلاح رابطه شکسته

" اینها همه از خداست که به واسطه مسیح ما را با خود آشتی داده و خدمت آشتی را به ما سپرده است." (دوم قرنتیان 18:5)

رابطه ها، همیشه ارزش اصلاح شدن را دارند. چون تمام معنای زندگی این است که، یاد بگیریم چگونه محبت کنیم، خدا از ما می خواهد قدر روابط را بدانیم و تمام نیروی خود را بکار ببریم تا به جای اینکه هر گاه شکاف، آزرده گی یا کشمکش بوجود می آید، آن رابطه را دور بیندازیم، برعکس، آن را حفظ کنیم. در واقع کتاب مقدس به ما می فرماید که خدا به ما خدمت اصلاح روابط را بخشیده است (دوم قرنتیان 18:5) و به این علت است که قسمت مهمی از عهدجدید به تعلیم ما، برای اینکه چگونه با یکدیگر تفاهم داشته باشیم، صرف شده است. پولس رسول نوشت: " ای مسیحیان، آیا یکدیگر را تشویق و دلگرم می کنید؟ آیا آنقدر یکدیگر را دوست دارید که به هم کمک کنید؟ آیا احساس می کنید که ما همه با هم برادریم و از یک روح برخورداریم؟ آیا دلسوز و همدرد هستید؟ اگر چنین است، یکدیگر را محبت نموده، قلباً با هم توافق داشته و همدل و همفکر باشید، تا مرا واقعاً شاد سازید." (فیلیپیان 2:1 و 2) پولس این را تعلیم می داد که یکی از نشانه های رشد روحانی، توانایی ما در تفاهم با دیگران است (رومان 5:15)

با توجه به اینکه مسیح از خانواده اش می خواهد که از محبتان نسبت به یکدیگر شناخته شویم (یوحنا 13:35)، مشارکت شکسته ما، شهادت رسوائی آور و ننگینی برای بی ایمانان خواهد بود. به این علت، پولس رسول از اینکه اعضای کلیسا در قرننس در نفاق، گروههای جدایی تشکیل داده بودند و حتی یکدیگر را به دادگاه می سپردند، خجالت می کشید. او نوشت: " این را می گویم تا خجالت بکشید: آیا در تمام کلیسای شما، حتی یک شخص دانا پیدا نمی شود که به این اختلافات رسیدگی کند؟" (اول قرنتیان 5:6) این امر که هیچکس در میان آنها به اندازه کافی بالغ نبود، تا کشمکش را در صلح و آرامش حل کند، برای او تکان دهنده بود. در همین رساله یا نامه او گفت: " خواهش می کنم که در فکر و هدف متحد باشید." (اول قرنتیان 10:1)

اگر برکات خدا را در زندگیتان خواهانید و می خواهید به عنوان فرزند خدا شناخته شوید، می باید یاد بگیرید که مصلح یا ایجاد کننده صلح باشید. عیسی مسیح فرمود: " خوشابه حال صلح جویان، زیرا آنان فرزندان خدا خوانده خواهند شد." (متی 9:5)، توجه داشته باشید که مسیح نگفت: " خوشابه حال آنانیکه صلح را دوست دارند." چون همه صلح را دوست دارند. او همچنین نگفت: " خوشا به حال اشخاص آرام" که هرگز چیزی اذیتشان نمی کند و مزاحشان نیست. بلکه مسیح فرمود: " خوشابه حال صلح جویان" - یعنی آنانیکه فعالانه در جستجوی حل اختلافات هستند. صلح جویان یا صلح دهندگان کمیاب هستند، چون این کار، کار سختی است.

صلح دادن یکی از استعدادهای بسیار مهم است که می توانید در خود رشد دهید، چون شما برای همین مسئله شکل گرفته اید که قسمتی از خانواده خدا باشید و نیز دومین هدف زندگی شما بر زمین این است که یاد بگیرید چگونه دیگران را دوست داشته باشید و با آنها رابطه برقرار کنید. متأسفانه بسیاری از ما، هرگز یاد نگرفته ایم که چگونه اختلافات را حل کنیم.

صلح دادن به معنای نادیده گرفتن اختلاف نیست. فرار از مشکل و اینطور وانمود کردن که مشکل وجود ندارد یا ترس از صحبت در مورد آن، در واقع عملی بزدلانه می باشد. عیسی مسیح پادشاه صلح و سلامتی، هرگز از اختلافات و کشمکش ها هراسی نداشت. او حتی در یک موقعیت، به کشمکش، به خاطر خیر و ثواب همه، دامن زد. بعضی اوقات می باید از ایجاد اختلاف دوری گزینیم، گاهی نیز می باید آن را ایجاد کنیم و نیز گاهی نیز باید آن را حل کنیم. به این علت می باید برای هدایت و رهبری دائم روح القدس، دعا کنیم.

صلح دادن، دلجویی و فرونشاندن دعوا نیز، نیست. همیشه تسلیم شدن، و مانند فرش جلوی در (یا کفش پاک کن) عمل کردن، و اجازه دادن به دیگران که از شما سوء استفاده کنند، آن چیزی نبود، که مد نظر مسیح بود. او در بسیاری موارد کوتاه نیامد، و در برابر مقاومت شریران، ایستادگی نشان داد.

چگونه رابطه ای را به حال اول برگردانیم

به عنوان ایمانداران، خدا " خدمت آشتی را به ما سپرده است." (دوم قرنتیان 18:5) در اینجا هفت قدم کتابمقدسی برای برگرداندن مشارکت، به حال اول خود، ارائه می دهیم:

مشکل را قبل از صحبت با شخص مقابل، با خدا در میان بگذار. با خدا در مورد مشکل بحث کن. اگر بجای غیبت، نزد یک دوست در باره مشکل و ناراحتی دعا کنید، اغلب خواهید دید که، خدا قلب شما را و یا شخص مقابل را، بدون دخالت شما عوض خواهد کرد. اگر در مورد همه روابطتان بیشتر دعا می کردید، آنها ملایم تر می شدند. از دعا بعنوان **تهویه عمودی** استفاده کنید، همانطور که داود با مزامیرش کرد. به خدا در مورد ناامیدیهایتان بگویید. نزد او فریاد بر آورید. او هرگز از خشم، ناراحتی، ناامنی، یا هر احساس دیگر شما، غافلگیر نمی شود. پس دقیقاً "همانطور که احساس می کنید، به او بازگو کنید.

بسیاری از کشمکشها، در احتیاجات برآورده نشده، ریشه دارد و بعضی از این نیازها، تنها توسط خدا برآورده می شود. وقتی نیازی دارید که فقط خدا می تواند حل کند و از دوست، همسر، رئیس، یا عضو خانواده انتظار رفع این احتیاج را دارید، خود را برای دل شکستگی و تلخی آماده می سازید. **هیچ کس** نمی تواند همه احتیاجات شما را رفع کند، جز خدا. یعقوب رسول به این مسئله توجه کرد که بسیاری از کشمکشهای ما بخاطر عدم وجود دعا خلق می شود: "از کجا در میان شما جنگ و جدال پدید می آید؟ ... حسرت چیزی را می خورید، اما آن را به کف نمی آرید... از آن رو که درخواست نمی کنید!" (یعقوب 4:21) بجای توجه به خدا، از دیگران انتظار داریم، ما را شاد سازند و وقتی آنها نمی توانند آرزوی ما را عملی سازند، عصبانی می شویم. خدا می گوید: "چرا اول پیش من نمی آیی؟"

همیشه قدم اول را خودت بردار. مسئله این نیست که شما صدمه زدی یا صدمه خوردی: خدا از تو انتظار دارد که حرکت اول را بکنی. منتظر طرف مقابل نشو. اول خودت نزد آنها برو. برقراری مشارکت شکسته، آنقدر مهم است که عیسی مسیح فرمود این مسئله حتی از پرستش گروهی واجب تر است. او فرمود: "پس اگر نذری داری و می خواهی گوسفندی در خانه خدا قربانی کنی، و همان لحظه بیادت آید که دوست از تو رنجیده است، گوسفند را همانجا نزد قربانگاه رها کن و اول برو و از دوستت عذرخواهی نما و با او آشتی کن؛ آنگاه بیا و نذرت را به خدا تقدیم کن." (متی 5:23 و 24)

وقتی مشارکت آسیب دیده یا شکسته شده، یک کنفرانس صلح را ترتیب بده. آن را به تعویق نینداز، بهانه نیاور و این وعده را نده که: "یک روز آن را حل خواهم کرد." یک ملاقات رو در رو را هر چه زودتر ترتیب بده. تأخیر، رنجش را عمق می بخشد و مسائل را بدتر می کند. گذر وقت، هیچ چیز از ناراحتی و کشمکش را حل نمی کند، بلکه زخم را چرکین می سازد.

اقدام فوری، خسارت روحانی را نیز کمتر می کند. کتاب مقدس می فرماید گناه، که دعوای حل نشده نیز آن را شامل می شود، مشارکت ما با خدا را مسدود می سازد و باعث می شود که دعاهايمان بی جواب بماند (اول پطرس 3:7، امثال 9:28) و در کنار همه اینها خود را تیره بخت احساس می کنیم. دوستان ایوب به یاد او آوردند که: "زیرا غصه، احمق را می کشد و حسد، ابله را می میراند." و "چرا بی جهت عصبانی می شوی و به خود صدمه می زنی؟" (ایوب 2:5 و 4:18)

موقفیت کنفرانس صلح، اغلب بستگی به انتخاب زمان و مکان درست، برای ملاقات می باشد. وقتی یکی از شما دو نفر خسته هستید یا عجله دارید و یا باعث مزاحمت یکدیگر خواهید شد، بهتر است با هم در آن موقع ملاقات نکنید. بهترین زمان، وقتی است که هر دوی شما در بهترین وضعیت خود قرار دارید.

با احساسات آنها همدردی کنید. از گوشه‌ایان بیشتر از دهانتان استفاده کنید. پیش از هر گونه اقدام برای حل هر نوع اختلاف، می باید اول از همه به احساسات مردم گوش فرا دهید. پولس نصیحت کرد: "فقط به فکر خودت نباشید، بلکه به کار و مسایل دیگران هم توجه نمایید." (فیلیپیان 2:4) عبارت "توجه نمایید" از کلمه یونانی "اسکوپوس" می آید، که کلمه **تلسکوپ** و **میکروسکوپ** ما، از آن گرفته شده است و به این معناست که "به دقت توجه نمایید!" توجه خود را متمرکز احساسات آنها کنید و نه به واقعیتها. با همدردی شروع کنید و نه با راه حلها.

در مرحله اول، از آنچه مردم احساس می کنند، برداشتی برای حل مسئله نکنید، بلکه بدون اینکه از خود دفاع کنید، به آنها گوش فرا دهید و اجازه دهید آنها خود را از نظر احساسی خالی کنند. حتی وقتی موافق نیستی، سر خود را به علامت اینکه او را درک می کنی تکان بده. احساسات همیشه حقیقی و منطقی نیستند. در واقع خشم و رنجش باعث می شوند که ما به طرق احمقانه، عمل کنیم و فکر کنیم. داود اعتراف کرد: "لیکن دل من تلخ شده بود و در اندرون خود، دل ریش شده بودم. و من وحشی بودم و معرفت نداشتم و مثل بهایم نزد تو گردیدم." (زمور 21:73 و 22) همه ما وقتی رنجیده می شویم، وحشیانه عمل می کنیم.

در مقابل آن، کتاب مقدس می فرماید: "کسی که خشم خود را فرو می نشاند عاقل است و آنکه از تقصیرات دیگران چشم پوشی می کند سرافراز خواهد شد." (امثال 11:19) صبر نتیجه حکمت است و حکمت از شنیدن نقطه نظرات دیگران بدست می آید. در حقیقت وقتی گوش فرا می دهیم، به طرف مقابل می گوییم: "من به نظر تو ارزش قائلم، و

برای من روابط ما مهم است، و تو نیز برای من مهم هستی. " این جمله که همیشه تکرار می شود، حقیقت دارد: " مردم علاقمند نیستند که ما چه می دانیم تا زمانی که آنها می دانند که ما به آنها علاقمندیم. "

برای برقراری مشارکت " ما نباید فقط به فکر خشنودی خودمان باشیم، بلکه وظیفه داریم این زحمت را به خود بدهیم که شک ها و نگرانیهای دیگران را نیز در نظر بگیریم، پس بهتر است به فکر خشنودی دیگران هم باشیم و فقط به خود نیندیشیم. " (رومیان 2:15) واقعا " این یک قربانی است که با صبر و تحمل، عصبانیت و خشم دیگران را قورت دهیم، مخصوصا " وقتی بی اساس می باشد. ولی بیاد آورید که این همان کاری است که مسیح برای شما کرد. او، خشمی را که بی اساس و از روی بدخواهی بود تحمل کرد، تا شما را نجات دهد: " زیرا مسیح نیز در پی خشنودی خود نبود، چنانکه نوشته شده است: " توهینهای توهین کنندگان به تو، بر من فرو افتاد. " (رومیان 3:15)

خطایی که شما در اختلافات داشته اید، اعتراف کنید. اگر در برقراری رابطه جدی هستید، می باید شروع به اعتراف در مورد اشتباهات و گناه خود بکنید. عیسی مسیح فرمود که این باعث می شود که مسائل را واضح تر ببینیم: " ای ریاکار، نخست جوب را از چشم خود به در آر، آنگاه بهتر خواهی دید تا بر کاه را از چشم برادرت بیرون کنی. " (متی 5:7)

با توجه به اینکه همه ما نقاط کوری داریم، شاید احتیاج داشته باشید که شخص سومی شما را کمک کند تا اعمال خودتان را قبل از ملاقات با شخصی که با او اختلاف داشته اید، ارزیابی کنید. همچنین از خدا بخواهید به شما نشان دهد که چقدر از مشکل، تقصیر شما بوده است. اینطور بپرسید: " آیا من مشکل اساسی هستم؟ آیا من غیر واقعی بوده ام، یا حساس نبوده ام یا شاید بر عکس، خیلی حساس بوده ام؟ " کتاب مقدس می فرماید: " اگر بگوییم بی گناهییم، خود را فریب داده ایم و راستی در ما نیست. " (اول یوحنا 8:1)

اعتراف به خطا، وسیله ای قوی برای آشتی است. اغلب روشی که ما از آن استفاده می کنیم تا اختلاف را حل کنیم، سبب رنجش بزرگتری می شود تا خود مشکل اولیه. وقتی شروع به اعتراف اشتباه خود، با فروتنی می کنید، این عمل شما باعث آرام شدن عصبانیت طرف مقابل می شود و آنها را خلع سلاح می کند، چون آنها به احتمال قوی انتظار داشتند با دفاع از خود، حاضر شوید. بهانه نیاورید و تقصیر را به کسی ندهید بلکه با صداقت آن قسمتی را که در کشمکش نقش داشته اید، پذیرا شوید. مسئولیت اشتباه خود را بپذیرید و طلب بخشش کنید.

به مشکل حمله کنید و نه به شخص. هرگز نمی توانید مشکل را حل کنید، اگر هدفتان پیدا کردن مقصر است. می باید بین این دو، یکی را انتخاب کنید. کتاب مقدس می فرماید: " جواب ملایم خشم را فرو می نشاند، اما جواب تند آن را بر می انگیزاند. " (امثال 15:1) هیچوقت مسئله شما، با برخورد شدید حل نخواهد شد، پس کلماتتان را با حکمت انتخاب کنید. جواب ملایم همیشه بهتر از جواب نیشدار است.

در حل اختلافات و کشمکشها، اینکه چگونه چیزی را بیان می کنید به همان اندازه که چه چیزی را می گوید، اهمیت دارد. اگر آن را با حالت تهاجمی بگویید، با حالت دفاعی، دریافت خواهد شد. خدا به ما می گوید: " دانا را از فهمش می شناسند و عالم را از سخنان دلنشینی. " (امثال 21:16) نق زدن و عیبجویی کردن، هرگز مؤثر نیست. شما وقتی می سوزانید یا می سایید، شخص متقاعد کننده ای نیستید.

در دوران جنگ سرد، هر دو طرف موافقت کردند که بعضی از سلاحها آنقدر هولناک و تخریب کننده بودند، که هرگز نمی بایست از آنها استفاده کنند. امروزه سلاحهای شیمیایی و بیولوژیکی تحریم شده اند و ذخیره سلاحهای هسته ای کاهش داده می شوند و نابود می شوند. به خاطر مشارکت، باید زرادخانه سلاحهای هسته ای روابط را که شامل محکوم کردن دیگران، تحقیر کردن، مقایسه کردن، برچسب گذاری، توهین کردن، خوار شمردن و نیشدار بودن است، نابود کنید. پولس رسول این مسئله را اینطور خلاصه می کند: " هیچگاه سخنان بد و زشت بر زبان نیاورید، بلکه گفتار تان نیکو و مفید باشد تا به شنوندگان خیر و برکت رساند. " (افسیان 29:4)

تا آنجا که ممکن است، همکاری کنید. پولس گفت: " اگر امکان دارد، تا آنجا که به شما مربوط می شود، با همه در صلح و صفا زندگی کنید. " (رومیان 18:12) صلح و صفا و آرامش همیشه، برچسب قیمت دارد. گاهی اوقات به بهای غرور ما تمام می شود و اغلب نیز به قیمت خودمحوری ما تمام می شود. به منظور مشارکت، سعی خود را در سازش و تطبیق با دیگران و نشان دادن حق تقدم به آنچه آنها نیاز دارند، بکنید. ترجمه ازاد هفت خوشابحال مسیح می گوید: " خوشابحال شما وقتی می توانی به مردم نشان بدهی چگونه بجای رقابت و نزاع، همکاری کنند. آنگاه کشف خواهی کرد که تو واقعا " چه کسی هستی و جای خود را در خانواده خدا پیدا خواهی کرد. " (متی 9:5)

بر آشتی تأکید کن و نه بر راه حل. توقع داشتن از هر کس، برای موافقت با همه چیز، عملی واهی و خیالی می باشد. در حالیکه راه حل بر مشکل متمرکز است، آشتی، بر روابط توجه دارد. وقتی به آشتی متمرکز می شویم، مشکل، اهمیت خود را از دست می دهد و اغلب بی ربط می شود.

ما همیشه می توانیم رابطه ای را، حتی اگر نتوانیم تفاوت هایمان را حل کنیم، دوباره برقرار کنیم. مسیحیان اغلب اختلافات صادقانه و مشروعی دارند و نظرات متفاوت با یکدیگر دارند، اما ما می توانیم با یکدیگر موافق نباشیم، بدون اینکه با هم ناسازگار باشیم. یک الماس از زوایای مختلف، به نظر متفاوت می آید. خدا از ما اتحاد را توقع دارد و نه یک شکلی را. ما می توانیم بدون وحدت نظر داشتن، در مورد هر موضوعی، دست در دست هم، قدم بزنیم. البته این به آن معنا نیست که شما از یافتن راه حل دست بکشید. شاید احتیاج داشته باشید به بحث و حتی مناظره ادامه دهید. اما این را در یک روح هماهنگی انجام می دهید. آشتی به این معناست که تیرتان را دفن می کنید و نه الزاماً مسئله را.

در نتیجه این فصل کتاب، شما با چه کسی باید تماس بگیرید؟ با چه کسی باید رابطه تان را دوباره برقرار کنید؟ حتی یک ثانیه نیز تأخیر نکنید. همین اکنون توقف کن و در مورد آن شخص با خدا صحبت کن و بعد تلفن را بردار و مراحل را شروع کن. این هفت قدم خیلی ساده هستند، اما مسلماً راحت نیستند. زحمت زیاد لازم است تا رابطه ای، دوباره برقرار شود. به همین علت پطرس تشویق می کند که مسیحی باید: "بر پی صلح باشد و آرام بجوید." (اول پطرس 3:11) اما وقتی برای صلح می کوشید، کاری را انجام می دهید که خدا انجام می دهد. به این علت خدا صلح دهندگان را فرزندان خود می خواند (متی 9:5)

نکته مورد توجه: رابطه ها، همیشه ارزش اصلاح شدن را دارند.
آیه حفظی: "اگر امکان دارد، تا آنجا که به شما مربوط می شود، با همه در صلح و صفا زندگی کنید." (رومیان 12:18)
سوالی که باید از خود بکنید: امروز با چه کسی باید رابطه ام را اصلاح کنم؟